

### متن پرسش

باسلام ۱. در جواب سؤال بنده فرموده بودید که امام خمینی از حیث عرفان اجتماعی همان است که رهبری فرمودند اما در سلوک فردی آقای قاضی منحصر بودند، الان بنده سوالی که دارم این است که یعنی در امور فردی به آقای قاضی و علامه طهرانی رجوع کنیم جلوتر میفتیم؟ و دیگر اینکه مگر امام در سلوک فردی کار نکرده اند و خروجی اش سرالصلوه و چهل حدیث نشده که ما بگوییم از آقای قاضی چیزی کم دارد؟ و دیگر اینکه پس معنای سلوک ذیل اندیشه امام چه می شود؟ ۲. اینکه روایت می فرماید برای مردم آخرالزمان سوره توحید را نازل کردیم، از کجا معلوم که ما امت آخرالزمانیم؟ ۳. بالاخره اینکه امام می فرماید شهدا راه صدساله را یک شبه طی کردند و اینکه شهید آوینی می فرماید ما در شب عملیات به چیزهایی رسیدیم که حتی عرفای دلسوخته بر سر دار هم به آن نرسیدند- عرفای دلسوخته- این یعنی چه؟ شهدا چون در جبهه رفتند به قول آوینی کرامت انسانی را در مبارزه به آن رسیدند، واقعا این چگونه جمع می شود با سلوک عرفا، آیا در مقام و مرتبه یکی اند، پس اگر شهدا همان راه عرفا را رفتند مدادالعلما افضل من دما الشهدا چگونه جمع می شود با این جمله امام که یک شبه راه صدساله را رفتند؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- مرحوم قاضی در زمان خودشان که بیشتر باید جنبه های فردی عرفان پروریده می شد منحصر به فرد بودند، ولی حضرت امام جمع آن عرفان و عرفان اجتماعی است و به همین جهت شما در عین اراده به مرحوم قاضی و استفاده از ایشان در ذیل شخصیت حضرت امام می توانید سلوک خود را به نتیجه ی نهایی برسانید ۲- شاید از این که امروز شرایط طرح معارف عمیق سوره ی توحید فراهم است بتوان چنین حرفی زد ولی با این همه نمی توان قسم خورد که امت آخرالزمان مائیم ۳- هرکدام طی راهی که خداوند در مقابلشان گشود کوتاهی نکردند، چه آن راه دهها ساله و چه این راه یک شبه. موفق باشید